

در تاریخ ملتها و اقوام، روزهای تاریخی و برحاده بیادماندنی بسیاری است که به مناسبت‌هایی در طول پروسه حیات اجتماعی و تاریخی آنها، بوجود آمده است. این روزها گاه با حوادث ناگوار و تلخ و زمانی با پیشامدهای مسرت بخش و پیروزی آفرین همراه است. بازتاب شکست‌ها و پیروزیهای ملتها، چنان در صحیفه خاطر و ذهن آنها نقش می‌بندد که دست هیچ عاملی را توان آن نیست تا این ذهنیات و خاطره‌ها را به توه فراموشی احاله کند. زیاد دور نمی‌رویم، وقتی تاریخ همین سده اخیر را ورق می‌زنیم، بر مدعای فوق، شواهد بسیاری پیدا می‌کنیم. روزهای یرشور انقلاب مشروطیت و شکست و پیروزیهای ملت مسلمان مادر آن، نهضت ملی شدن نفت و قطع دست استعمارگران و اجانب از منابع ملی میهن اسلامی، کودتای شوم ۲۸ مرداد سال ۱۵۰۳۲، خرداد سال ۱۷۰۴۲، شهریور و ۲۲ بهمن سال ۵۷ و... همه و همه از روزهایی است که خاطره‌هایش آمیخته با حیات ملتی است که امروز با راهنا قراردادن قرآن، م‌امیز حاد و حاد اسلام برچمدار حرکت‌های ضد استکباری و ضد شیطنی در سراسر اقطار عالم شده است.

در روند تکاملی انقلاب کبیر اسلامی ما، هر روز مشحون از حادثه‌ها و فراز و نشیب‌های بسیاری است. هرچند که ضروری طبیعی هر انقلابی چنین است ولی نهضت مقدس ما در مقام مقایسه با سایر انقلابات اجتماعی و اصلاحی، از ویژگیهای خاصی برخوردار است که یکی از آنها، جوهره مکتبی و الهی آنست و بخاطر همین جوهره الهی است که در تمام حوادث و جریانات غیرطبیعی و محیرالعقول، دست قدرتمند خدا را به وضوح می‌بینیم و بیش از همیشه به خفایت اسلام به عنوان تنها دین قابل قبول خدا، جانبازان را، آن، مزمین تری و معتقدتر می‌شویم.

از «مبدأ نهضت اسلامی ایران» در ۱۵ خرداد سال ۴۲ به رهبری امام خمینی و روحانیت متعهد پیروهر تاکنون، انقلاب بزرگ ما روزهای برحاده زیادی بخود دیده است که هر یک از آنها در تاریخ مبارزات غرورآفرین ملت مسلمان ما، جای و مقام ویژه‌ای دارد. در این میان روزهای حساس و سرنوشت سازی وجود دارد که امام بزرگوارمان با تعبیر «ایام...» و «روزهای خدا»، با احترام و عظمت ویژه‌ای از آنها یاد می‌کنند: «پانزده خرداد از روزهای خداست که یک ملت در مقابل یک قدرت ایستاد و کاری کرد که تقریباً پنج ماه حکومت نظامی شد ولی چون ملت قدرت نداشت و مجتمع نگشته بود... به حسب ظاهر شکست خورد والا همانجا مبدأ پیروزی ملت شد. هفده شهریور... از روزهای خداست، انهم از روزهای خدائی بود که یک ملت، زن و مردش، جوان و غیرجوانش بایستند و برای احقاق حق، خون بدهند... این ایامند که آدم

تفسیر المیزان: نسبت دادن ایام مخصوصی را به خدا، با اینکه همه ایام و همه موجودات از خداست، حتما بخاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص پیش آمد کرده و امر خدایتعالی را ظاهر ساخته است... مانند ایامیکه قوم نوح و عادو ثمود در آن به هلاکت رسیدند.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات خود در توضیح «ایام...» می‌نویسد: افزودن ایام به... تعالی به جهت تعظیم و تشریف روزهایی است که خداوند متعال در این روزها به مقتضای مشیت خود، از نعمتهایش به بندگانش افزوده فرموده است. در تفسیر قمی آمده است که ایام... سه روز است روز ظهور قائم (ع)، روز مرگ و روز قیامت (۴)

علامه طباطبائی با اشاره به روایت فوق، ایام... را منحصر به سه روز مذکور نمی‌داند و معتقد است که منظور آن، انگشت گذاری روی بعضی مصادیق روشن ایام... است. لاهیجی در تفسیر آیه فوق (نخست)، مراد از ایام... را وقایع و حوادثی ذکر می‌کند که خدای تعالی بر امم سابقه نازل گردانیده تا منته شده و از معاصی اجتناب نمایند. او به حدیثی از امام صادق (ع) اشاره می‌کند که فرمود: مراد از ایام... (۴)

تأملی درواژه قرانی ایام الله

نعمتهای خدای تعالی است و بلاى خدای تعالی مثلث اوست یعنی عقوباتست که نازل می‌کند. (۵)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: «... نسبت دادن ایام مخصوصی را به خدا با اینکه همه ایام و همه موجودات از خداست، حتما بخاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص پیش آمد کرده و امر خدایتعالی را ظاهر ساخته است... مانند ایامیکه قوم نوح و عاد و ثمود در آن به هلاکت رسیدند، چه اینگونه ایام، ایام مخصوصی است که قهر و غلبه الهی ظاهر گشته و عزت خدائی خودنمائی کرده است. ممکن هم هست که ایام ظهور رحمت و نعمت الهی نیز، جز، این روزها بوده باشد، البته آن ایامی که نعمتهای الهی آنچنان ظهوری یافته که در دیگر ایام به آن روشنی نبوده است، مانند روزیکه حضرت نوح و یارانش از کشتی بیرون آمدند و مشمول سلام و برکات خدا شدند و روزیکه ابراهیم علیه السلام از آتش نجات یافت و امثال آنها، اینگونه ایام مانند ایام نامبرده دیگر، در حقیقت نسبتی به غیرخدا ندارند، بلکه ایام خدا و منسوب به او هستند. و اینکه بعضی از مفسرین «ایام...» را به ایام ظهور نعمتهای خدا اختصاص داده و آیات بعدی سوره را که درباره نعمتهای خداست دلیل خود گرفته و همچنین مفسرینی که ایام نامبرده را به ایام

سازند. در این ایام است که جوانهای ما از عشرتکده‌ها بیرون می‌آیند و به میدان جنگ می‌روند. این ایام، الهی است... و یادتان نرود این ایام بزرگی که بر ملت ما گذشت و «ایام...» بود، مثل ۱۵ خرداد، هفده شهریور و مثل روزی که این خبیث (شاه) فرار کرد، از «روزهای خدا» بود. (۲۲ بهمن ۵۷) یکی از «ایام...» بود که شما ملت شریف و نورانی با قلب‌های پر از ایمان نرسیدید و امروز با اینکه اعلام حکومت نظامی شده بود، به خیانتها ریختید و آن چیزی که آنان می‌خواستند (کودتا)، خنثی شد... آن روز یکی از «روزهای بزرگ خدا» است. (۱)

واژه «ایام...» در قرآن مجید «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْبُرْقَانَ وَأَنزَلْنَا إِلَيْهِ الْطَّلَامَاتِ إِلَى الْتَّوْرِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِنَا...» (۲) «ما موسی را با معجزه‌های خویش فرستادیم (با این مأموریت و وحی) که ای موسی مردم را از ظلمتها بسوی نور بیرون کن و روزهای خدا را بیادشان آر»

«قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ وَالَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ...» لیجزی قوما بما كانوا یکسبون» (۳) «ای رسول به آنان که ایمان آورده‌اند بگو شما مومنان از جور مردمی که به ایام الهی امیدوار نیستند درگذرید که خدا عاقبت هر قومی را به یاداش اعمال خود میرساند».



عذابهای خدا اختصاص داده اند، راه درستی نرفته اند، چون هیچ وجهی برای این دو اختصاص نیست» (۶)

ابوالفتح رازی نیز در تفسیر خود در این مورد، نظری مشابه با نظر علامه فقید طباطبائی دارد (۷) و معتقد است که ایام ... هم روزهای ظاهر شدن رحمت و نعمت و هم روزهای ظهور عذاب و نعمت خداست.

قول شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان، موید دو نظر فوق است و به نقل از ابومسلم می نویسد: منظور (از ایام ...) سنتها و افعال خداوند است که بصورت انعام یا انتقام در میان بندگان وقوع یافته است. در حقیقت «ایام» زمان وقوع سنن و افعال خداوندست. (۸)

«همه روزها و ایام، مال خداست لکن بعضی از روزها، یک خصوصیتی دارد که برای آن خصوصیت «یوم ...»، «روز خدا» نامیده می شود. روزیکه پیامبر اکرم (ص) به مدینه هجرت کرد، این روز «یوم ...» است و «روز خدا»ست، روزیکه مکه را فتح کردند، «یوم ...» است و روز قدرت نمائی خداست... روز خوارج، روزی است که امیرالمومنین سلام ... علیه، شمشیرش را کشید و این فاسدها و غده های سرطانی را دور کرد، اینهم «یوم ...» روز خدا بود... روزهاییکه خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملتها، یک چیزهایی را می آورد، (مثلا) یک زلزله ای را وارد می کند، یک سیلی را وارد می کند، یک طوفانی را وارد می کند و خلاصه به این مردم شلاق می زند که آدم بشوید، اینها همه «روز خدا»ست. (۹)

«تذکر به ایام ... که خداوند متعال به آن امر فرموده است، انسان ساز است. قضایائی که در ایام ... رخ داده است، برای تاریخ و انسانها در طول تاریخ، آموزنده و بیدار کننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعضی از آنها یاد کرده است، سرمشقی پر برکت برای ساختن جامعه ها و اشخاص و جامعه عصر ما که عصر انقلاب است و در کشور ایران که کشور انقلاب و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ است، که باید آنها را ایام ... محسوب کنیم و به ذکر آنها و تذکر آن ایام پردازیم که برای ملت قهرمان و مجاهدان سلحشور، درس انقلاب است.» (۱۰)

با تفصیل فوق، بجزرات توان گفت که روزیکه فرشته آزادی با «پرواز انقلاب»ی خود بر آسمان گلرنگ از خون «شهدای فضیلت»، بال و پر گشود، نیز «یوم ...» و «روز خدا» است روزیکه لحظه لحظه اش، ارزش شب قدر را داشت و ابستن تولدی بزرگ و «بهمن» گونه بود. نوزادی که از ۱۵ خرداد سال ۴۲، رشد جنینی و مراحل تکوینی خود را پشت سر گذاشته بود و در تب و تاب فارغ شدن، «دهه ای» را منتظر بود که «فجر» را منفجر کند. فجری که

✽ امام خمینی: (۲۲ بهمن ۵۷) یکی از «ایام ...» بود که شمولیت شریف و نورانی با قلب های پر از ایمان نترسیدید و آنروز با اینکه اعلام حکومت نظامی شده بود به خیابانها ریختید و آن چیزی که آنان میخواستند (کودتا) خنثی شد.

- ۸- مجمع البیان، ج ۱۳ ص ۹۹ و ۹۸
- ۹- روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۸، سخنان امام خمینی
- ۱۰- از پیام امام خمینی به مناسبت ۱۷ شهریور سال ۶۱
- مقاله فوق از یکی از برادران جهادگرمان در جهادسازندگی کلبر استان آذربایجان شرقی رسیده بود که باتشکر از ایشان و امید موفقیت و پیروزی تمامی رزمندگان و جهادگران، از ایشان و سایر خوانندگان اهل قلم و تحقیق می خواهیم که مطالب خود را برای چاپ در مجله، ارسال نمایند.

- آزادی محرومان و مستضعفان در بند گیتی را فریاد زند و گسستگی زنجیرهای بردگی و استعمار جهانخواران را به نظاره نشیند. والسلام.
- باورقیها
- ۱- روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۸ - سخنان امام خمینی
- ۲- آیه ۵، سوره ابراهیم
- ۳- آیه ۱۴، سوره جاثیه
- ۴- تفسیر القمی، ج ۱ ص ۳۶۷ - چاپ نجف
- ۵- لاهیجی، تفسیر - ج ۲ ص ۶۲۰
- ۶- المیزان، ج ۱۲
- ۷- ابوالفتح رازی، تفسیر - ج ۸-۷ ص ۶ و ۷